

WWW.AKOEDU.IR

اولین و با کیفیت ترین

کلاسی های vip کنکور
آگادمی کنکور در ایران



جهت دریافت برنامه ی شخصی سازی شده یک هفته ای رایگان کلیک کنید و یا به شماره ی ۰۹۰۲۵۶۴۶۲۳۴ عدد ۱ را ارسال کنید.

۵- تست علوم و فنون دهم درس ۶ - سجع و انواع آن

- ۱) کدام یک از گزینه‌های زیر مسجع به شمار نمی‌آید؟
 (۱) طفلان نورسیده و کودکان رنج دیده را از تعلّم اصطلاحاتی که مانوس طباع و مالوف استماع ایشان نیست در خاطر غبار دهشتی می‌نشیند.
 (۲) شبلی بخندید و گفت: باز آید ای مدعیان که دوستان از دوستان نگریند و از سنگ جفایشان نپرهیزند.
 (۳) هر که گمان برده به کوشش توان رسید، رنجی کشیده بیهوده و هر که تصور کرده که بی‌کوشش توان رسید، جز راه آرزو نیموده.
 (۴) فلان را اصلی است پاک و طیبی است صاف، دارای گوهری است شریف و صاحب جمعی است کریم.
- ۲) در عبارت «جوانی چست، لطیف، خندان و شیرین زبان در حلقه‌ی عشرت ما بود که در دلش از هیچ نوع غم نیامدی و لب از خنده فراهم. روزگاری برآمد. بعد از آن دیدمش که زن خواسته و فرزندان خاسته» کدام واژه در پیدایش آرایه‌ی سجع نقشی ندارد؟
 (۱) شیرین زبان (۲) غم (۳) خواسته (۴) خاسته
- ۳) درباره‌ی این متن ادبی کدام گفته درست نیست؟
 «رای بی‌قوت مکر و افسون است و قوت بی‌رای، جهل و جنون.
 تمیز باید و تدبیر و عقل و آن‌گه ملک / که ملک و دولت نادان سلاح جنگ خداست»
 (۱) «ملک» و «ملک» جناس ندارند.
 (۲) هم سجع متوازن در عبارت وجود دارد هم سجع متوازی
 (۳) «نادان» صفت جانشین اسم است.
 (۴) «جنگ خدا» یعنی «جنگ با خدت»
- ۴) سجع‌های کدام گزینه تماماً مطرف هستند؟
 (۱) (محبوب، مرسوم)(اطاق، ساق)(درویش، رنجش)
 (۲) (گرفتار، دیدار)(شریک، رفیق)(کوشید، جوشید)
 (۳) (کشته، برداشته)(برومند، گزند)(غایت، نهایت)
 (۴) (پناه، گناه)(حساب، آب)(ظاهر، عاقل)
- ۵) نوع سجع‌ها در عبارات زیر، به ترتیب در کدام گزینه درست است؟
 «استعداد بی‌تربیت دریغ است و تربیت نامستعد، ضایع، قیمت شکر نه از نی است که آن خود خاصیت وی است. دانا چو طلبه عطار است خاموش و هنر نما و نادان چو طبل غازی بلند آواز و میان تهی.»
 (۱) مطرف، متوازن، متوازی
 (۲) متوازن، متوازی، متوازن
 (۳) مطرف، متوازی، متوازن
 (۴) متوازن، متوازی، مطرف



۶

کدام بیت دارای سجع است؟

- ۱) آن جا که بود آن دلستان با دوستان در بوستان / شد گرگ و روبه را مکان شد کوف و کرکس را وطن
- ۲) عاقل ندهد عاشق دلسوخته را پند / سلطان نهند بنده محنت زده را پند
- ۳) ساقیان آبم به جام لعل شکرخا برند / شاهدان خوابم به چشم جادوی شهلا برند
- ۴) ماه من مشک سیه در دامن گل می کند / سایبان آفتاب از شاخ سنبل می کند

۷

نوع سجع در کدام عبارت متفاوت است؟

- ۱) آدم گفت: باشید تا من سر از این خواب خوش بردارم، اسامی شما را یک به یک شمارم.
- ۲) آدم آن آدم دم نگذاشت و باز علم عجز برافراشت و با قلم نیاز به صفحه تقصیر صورت عذرها می نگاشت.
- ۳) شب تاریک فراق را صبح صادق وصال دمید و از الطاف ربوبیت به آدم خطاب رسید.
- ۴) آن را که تو برداشتی، میفکن، و آن را که تو می نگاشتی، خوار مکن!

۸

در همه‌ی گزینه‌ها «سجع مطرف» به کار رفته است، به جز

- ۱) محبت را غایت نیست، از بهر آن که محبوب را نهایت نیست.
- ۲) هر آینه ما را خردمندی کافی باید که تدبیر مملکت را شاید.
- ۳) دریغ آمدم تربیت ستوران و آینه‌داری در محلت کوران.
- ۴) یکی از ملوک عجم دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده.

۹

سجع در کدام گزینه «ارزش موسیقایی کم‌تری» دارد؟

- ۱) بدان که هر جا گل است، خار است و بر سر گنج مار است.
- ۲) جوان مردا، معشوق همه کبریا و عظمت بود و عاشق همه تواضع و مذلت.
- ۳) در پستی مردن، به که حاجت پیش کسی بردن.
- ۴) راست خواهی، درویشی به سلامت، به از پادشاهی به چندین علامت.

۱۰

در کدام عبارت سجع مطرف وجود دارد؟

- ۱) خداوند تعالی می بیند و می پوشد.
- ۲) هر چه زود برآید دیر نپاید.
- ۳) کارها به صبر برآید و مستعجل به سر درآید.
- ۴) نه هر که در مجادله جُست در معامله درست.

۱۱

در عبارت «خشم بیش از حد گرفتن وحشت آرد و لطف بی وقت هیبت ببرد نه چندان درشتی کن که از تو سیر

گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند» به ترتیب چه سجع‌هایی به کار رفته است؟

- ۱) مطرف - مطرف - متوازی
- ۲) مطرف - متوازی - متوازی
- ۳) متوازی - متوازی - متوازی
- ۴) متوازن - مطرف - متوازی



نوع سجع چند گزینه نادرست است؟

- (الف) ای ساقی سمن بر درده تو باده‌ی تر / زیرا صبح ما را «هل من مزید» باید (مطرف)
 (ب) عاقل کجا دهد جان در آرزوی جانان / در خانه‌ی بخیلان مهمان چه کار دارد (مطرف)
 (ج) تاراج دل‌ها می‌کنی، در شهر یغما می‌کنی / برخسته غوغا می‌کنی، نشنیده‌ای یاساق را (متوازی)
 (د) خواجه چه اندیشی زجان، دامن برافشان بر جهان / ما را گر از جان غم بود پس لاف عشقش چون زنیم (متوازن)
 (ه) ای چو تن منت میان بلکه در آن میان گمان / وی چو دل منت دهان بلکه در آن دهان سخن (متوازی)
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

چند گزینه دارای «سجع متوازی» است؟

- (الف) حکایت کرد مرا دوستی که از راه محبت با من مؤانستی داشت و از روی طبیعت مجانستی.
 (ب) پس چون پیر غریب این ابیات عجیب برخواند و این دامن دُرر و غُرور بر قوم افشاند ...
 (ج) چون این مقامه‌ی بیست و چهار تحریر افتاد، وقت حال را از نسق اول تغییر افتاد.
 (د) با حریفان لاله‌رخ، محبت پیوستم و با دوستان پیاله، عهد معرفت بستم.
 (ه) روزی چند بر گرد طرائق و حدائق می‌گشتم و خیر و شر آن به حس تأمل می‌نوشتم.
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

نوع سجع کدام گزینه با بقیه فرق دارد؟

- (۱) از نعلش آتش می‌جهد، نعلم در آتش می‌نهد / گر دیگری جان می‌دهد سعدی تو جان می‌پروری
 (۲) درده باده‌ای چو زر پاک ز خویشمان ببر / نیست بتر ز باخودی مذهب ما جنایتی
 (۳) هر جا روی تو با منی، ای هر دو چشم و روشنی / خواهی سوی مستیم کش، خواهی ببر سوی فنا
 (۴) افلاک از تو سرنگون، خاک از تو چون دریای خون / ماهت نخوانم ای فزون از ماه‌ها و سال‌ها

نوع سجع کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) شهری دیدم آراسته‌تر از سینه‌ی زاهدان و پیراسته‌تر از زلف شاهدان. (متوازی)
 (۲) الهی! هر که تو را شناسد کار او باریک و هر که تو را نشناسد راه او تاریک. (متوازی)
 (۳) الهی! جرم من زیر حلم تو پنهان است، تو پرده‌ی عفو خود بر من گستران. (متوازی)
 (۴) الهی! از پیش خطر و از پس راهم نیست، دستم گیر که جز تو پناهم نیست. (مطرف)

با توجه به ارکان سجع، در کدام گزینه از هر نوع سجع نمونه‌ای هست؟

- (۱) دو چیز مُحال عقل است، خوردن بیش از رزق مقسوم، و مُردن پیش از وقت معلوم.
 (۲) عالم را نشاید که سفاهت از عامی به حلم درگذارد که هر دو طرف را زیان دارد، هیبت این کم شود و جهل آن مستحکم.
 (۳) خلعت سلطان اگرچه عزیز است، جامعه خُلَقان خود بعزّت‌تر، و خوان بزرگان اگرچه لذیذ است، خرده انبان خود بلدّت‌تر
 (۴) لذت انگور بیوه داند، نه خداوند میوه، یوسف صدیق در خشک‌سال مصر سیر نخوردی تا گرسنگان فرائش نکند



۱۷ در عبارات زیر نوع سجع‌های به کار رفته، به ترتیب کدام است؟
 «خلقی هم بدین هوس که تو داری اسپرند و پای در زنجیر، سخن‌های لطیف می‌گویند و نکته‌های غریب، هم از حلقه‌ی درویشانند، بلکه حلقه به گوش ایشانند.»
 (۱) متوازن، متوازی، مطرف (۲) متوازی، متوازن، مطرف (۳) متوازی، مطرف، متوازن (۴) مطرف، متوازن، متوازی

۱۸ نوع سجع در کدام بیت، متفاوت است؟
 (۱) ای شمس تبریزی بیا ای معدن نور و ضیا / کاین روح با کار و کیا بی تابش تو جامدست
 (۲) گفتم خدا را رحمتی کارام گیرم ساعتی / نی خون کس را ریخته‌ست نی مال کس را بسته‌ست
 (۳) بیماری دارد عجب، نی دردسر نی رنج تب / چاره ندارد در زمین کز آسمانش آمده است
 (۴) چرخ و زمین گریان شده و ز ناله‌اش نالان شده / دم‌های او سوزان شده گویی که در آتشکده‌ست

۱۹ کدام عبارت فاقد سجع است؟
 (۱) ده آدمی بر سفره‌ای بخورند و دوسگ بر مرداری با هم به سر نبرند.
 (۲) هر که بدی را بکشد، خلق را از بلای او برهاند.
 (۳) دشمن چو از همه حیلتی فروماند سلسله دوستی بجنانند.
 (۴) پادشه را بر خیانت واقف مگردان مگر آنکه بر قبول کلی واثق باشی.

۲۰ اگر واژه‌های «نگین - سنگین»، «واجد - واجب»، «انگیرد - نپذیرد» در جایگاه سجع قرار گیرند به ترتیب چه نوع سجعی است؟
 (۱) متوازی - متوازن - مطرف
 (۲) مطرف - متوازن - مطرف
 (۳) متوازی - مطرف - متوازن
 (۴) مطرف - متوازی - متوازن

۲۱ نوع سجع مقابل کدام عبارت درست است؟
 (۱) مشک آن است که بیوید نه آن که عطار بگوید (سجع متوازی)
 (۲) از نفس پرور هنروری نیاید و بی‌هنر سروری نشاید (سجع متوازن)
 (۳) حق جلّ و علا می‌بیند و می‌پوسد و همسایه نمی‌بیند و می‌خروشد (سجع متوازی)
 (۴) اما هنر چشمه زاییده است و دولت پاینده (سجع مطرف)

۲۲ کاربرد آرایه‌های بدیعی لفظی در کدام گزینه مشهودتر است؟
 (۱) نه همین موج ز آمد شد خود بی‌خبر است / هیچ‌کس را خبر از آمدن و رفتن نیست
 (۲) بر من سخن بیست، نبندد بلی سخن / چون یک سخن نیوش نباشد سخن‌سرای
 (۳) جز با پریان نبوده‌ای گویی / وز آدمیان نزاده‌ای مانا
 (۴) از دیده، گاه، پاشم دُرهای قیمتی / وز طبع، گه، خراهم در باغ دل‌گشای

۲۳ ارزش موسیقایی سجع‌ها در کدام گزینه کم‌تر است؟
 (۱) دفتر از گفته‌های پریشان بشویم و من بعد پریشان نگویم.
 (۲) یکی را لاله و ورد سزاوار است و دیگری را ناله و درد.
 (۳) خبری که دانی دلی بیازارد، تو خاموش تا دیگری بیارد.
 (۴) شما را باغ باید و ما را چو لاله داغ.



۲۴

در کدام گزینه «سجع مطرف» به کار رفته است؟

- ۱) هر که با بدان نشیند، نیکی نبیند.
- ۲) هنر چشمه‌ی زاینده است و دولت پاینده.
- ۳) مُلک بی‌دین باطل است و دین بی‌ملک، ضایع.
- ۴) محبت را غایت نیست، از بهر آن که محبوب را نهایت نیست.

۲۵

کدام بیت «مسجع» نیست؟

- ۱) ای ساربان آهسته رو کارام جانم می‌رود / و آن دل که با خود داشتم با دلستانم می‌رود
- ۲) محمل بدار ای ساروان تندی مکن با کاروان / کز عشق آن سرو روان گویی روانم می‌رود
- ۳) من مانده‌ام مهجور از او بیچاره و رنجور از او / گویی که نیشی دور از او در استخوانم می‌رود
- ۴) در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن / من خود به چشم خویشتم دیدم که جانم می‌رود

۲۶

در کدام گزینه آرایه‌ی «سجع متوازی» دیده نمی‌شود؟

- ۱) ظن آن شخص فاسد شد و بازار اینان کاسد.
- ۲) هر که دست از جان بشوید، هرچه در دل دارد بگوید.
- ۳) توانگری به هنر است نه به مال، و بزرگی به عقل است نه به سال.
- ۴) متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد.

۲۷

در همه‌ی گزینه‌ها «سجع» وجود دارد، به جز

- ۱) طایفه‌ی دزدان عرب بر سر کوهی نشسته بودند و منفذ کاروان بسته.
- ۲) محال است که هنرمندان بمیرند و بی‌هنران جای ایشان بگیرند.
- ۳) ملک‌زاده‌ای را شنیدم که کوتاه بود و حقیر و دیگر برادران بلند و خوبروی.
- ۴) ای مردان بکوشید یا جامه‌ی زنان بپوشید.

۲۸

در کدام یک از ابیات زیر سجع می‌توان یافت؟

- ۱) آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
 - ۲) در کوی نیک‌نامی ما را گذر ندادند
 - ۳) هنگام تنگ‌دستی در عیش کوش و مستی
 - ۴) خوبان پارسی‌گو بخشندگان عمرند
- با دوستان مروت با دشمنان مدارا
گر تو نمی‌پسندی تغییر کن قضا را
کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را
ساقی بده بشارت رندان پارسا را

۲۹

سجع در کدام عبارت دارای ارزش موسیقایی بیشتری است؟

- ۱) در ایام طفولیت متعبد و شب‌خیز بودم و مولع زهد و پرهیز.
- ۲) پادشاهی او راست زبینه، خدایی او راست در خورنده.
- ۳) الهی بهشت چون چشم و چراغ است، بی‌دیدار تو درد و داغ است.
- ۴) مُلک بی‌دین باطل است و دین بی‌ملک ضایع.



۳۰

- در کدام عبارت آرایهٔ سجع به کار رفته است؟
- ۱) ما را بر کیسه بند نیست و با خلق خدا جنگ نیست.
 - ۲) دست انابت به امید اجابت به درگاه حق بردارد.
 - ۳) هر که با بدان نشیند نیکی نبیند.
 - ۴) ملک از خردمندان جمال گیرد و دین از پرهیزگاران کمال یابد.

۳۱

- کدام عبارت در مورد سجع درست است؟
- ۱) ارزش موسیقایی سجع متوازن از دیگر سجع‌ها بیشتر است.
 - ۲) سجع، یکسانی دو واژه در واج یا واج‌های ابتدایی و وزن یا هر دوی آنهاست.
 - ۳) سجع تنها در نثر به کار می‌رود و نثری را که در آن سجع است مسجع می‌نامند.
 - ۴) فایدهٔ سجع ایجاد موسیقی در نثر و افزایش موسیقی در شعر است.

۳۲

- ارزش موسیقایی سجع‌های کدام عبارت بیش تر است؟
- ۱) مروت ندیدم در چنان حالی ریش درویش را به ملامت خراشیدن و نمک پاشیدن
 - ۲) دریغ آدمم تربیت ستوران و آینه‌داری در محلت کوران.
 - ۳) و همی وعظ گفتم با جماعتی دل‌مرده که ره از عالم صورت به معنی نبرده.
 - ۴) بدان که هر جا گل است خار است و بر سر گنج مار است.

۳۳

- «نوع سجع» در کدام عبارت متفاوت است؟
- ۱) هر آینه ما را خردمندی کافی یابد، که تدبیر مملکت را شاید.
 - ۲) آن‌را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است؟
 - ۳) یکی از ملوک عجم دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده.
 - ۴) تا به جایی که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کربت جورش راه غربت گرفتند.

۳۴

- در کدام گزینه «سجع متوازی» دیده نمی‌شود؟
- ۱) توانگری به هنر است، نه به مال و بزرگی به خرد است، نه به سال.
 - ۲) محبت محب را سوزد نه محبوب را، و عشق طالب را سوزد نه مطلوب را.
 - ۳) گویند روی زیبا مرهم دل‌های خسته است و کلید درهای بسته.
 - ۴) حکایت کنند که هیزم درویشان خریدی به حیف و توانگران را دادی به طرح.

۳۵

- در کدام عبارت، سجع متوازی به کار رفته است؟
- ۱) استعداد بی‌تربیت دریغ است و تربیت نامستعد ضایع.
 - ۲) شدت نیکان روی در فرج داد و دولت بدان سر در نشیب.
 - ۳) روز قیامت آن بود که بنده‌ی صالح را به بهشت برند و خداوندگار فاسق به دوزخ.
 - ۴) پیداست که قوت طاعت در لقمه‌ی لطیف است و صحت عبادت در کسوت نظیف.



۳۶

با توجه به متن زیر، کدام گزینه از دید قلمرو ادبی نادرست است؟

«چون فصل بهار برفت و موسم خزان درآمد، خار جای گل بگرفت و زاغ در مقام بلبل نزول کرد، باد خزان در وزیدن آمد و برگ درخت ریزیدن گرفت، رخساره‌ی برگ زرد شد و نفس هوا سرد گشت، از کله‌ی ابر دُر می‌ریخت و از غریبل هوا کافور می‌بیخت، ناگاه بلبل در باغ آمد، نه رنگ گل دید و نه بوی سنبل شنید...»

- (۱) وزیدن و ریزیدن جناس هستند.
- (۲) شبکه معنایی بین گل، برگ، درخت و سنبل
- (۳) رخساره‌ی برگ و نفس هوا، تشخیص دارد
- (۴) کله‌ی ابر و غریبل هوا تشبیه، دُر و کافور استعاره

۳۷

در کدام یک از جملات زیر «سجع مطرف» به چشم می‌خورد؟

- (۱) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.
- (۲) آنکه از جمال عقل محجوب است، خود به نزدیک اهل بصیرت معذور.
- (۳) هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات.
- (۴) گاه از دیدن خط مکتوب متعش و گاه از ندیدن روی مطلوب مشتعل.

۳۸

سجع در کدام گزینه ارزش موسیقایی کمتری دارد؟

- (۱) دوستی را که به عمری فرا چنگ آرند نشاید که به یک دم بیازارند.
- (۲) گفت: خاموش! که در پستی مردن به که حاجت پیش کسی بردن.
- (۳) جوانمرد که بخورد و بدهد به از عابد که روزه بدارد و بنهد.
- (۴) توانگری به هنر است نه به مال و بزرگی به عقل است نه به سال.

۳۹

نوع سجع در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال
- (۲) ملک بی‌دین باطل است و دین بی‌ملک ضایع
- (۳) مال از بهر آسایش عمر است نه عمر از بهر گرد کردن مال
- (۴) طالب علم عزیز است و طالب مال ذلیل

۴۰

کدام بیت این غزل حافظ «مسجع» است؟

- (۱) خوبان پارسی‌گو بخشندگان عمرند / ساقی بده بشارت رندان پارسا را
- (۲) آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است / با دوستان مروّت، با دشمنان مدارا
- (۳) سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد / دلبر که در کف او موم است سنگ خارا
- (۴) هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی / کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را

۴۱

در کدام گزینه «سجع متوازن» وجود دارد؟

- (۱) دوستی را که به عمری فرا چنگ آرند نشاید که به یک دم بیازارند.
- (۲) نان خود خوردن و نشستن به که کمر شمشیر زرین به خدمت بستن.
- (۳) هیزم درویشان خریدی به حیف و توانگران را دادی به طرح.
- (۴) درویش را دست قدرت بسته است و توانگر را پای ارادت شکسته.



۴۲

در کدام بیت «سجع» وجود ندارد؟

- ۱) ای دلبر و مقصود ما ای قبله و معبود ما / آتش زدی در عود ما، نظاره کن در دود ما
- ۲) رازدار من تویی ای شمع یار من تویی / غمگسار من تویی، من آن تو، تو آن من
- ۳) ای که دستت می‌رسد کاری بکن / پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار
- ۴) زین وانمودها برآ، زین نانمودن‌ها گرا / کان کس که داند کیمیا، پنهان کند ز اهل طلب

۴۳

در کدام گزینه «سجع متوازن» به کار رفته است؟

- ۱) هنر چشمه‌ی زاینده است و دولت پاینده.
- ۲) هر که را زر در ترازوست، زور در بازوست.
- ۳) خبری که دانی دلی بیازارد، تو خاموش باش تا دیگری بیارد.
- ۴) گاه از دیدن خط‌مکتوب مُتتعش و گاه از ندیدن روی مطلوب مُشتعل.

۴۴

نوع سجع در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) گاه به زبان اهل حله ثنا می‌سراید و گاه به لغت اهل کله نوا می‌نماید.
- ۲) شما را مقالتی گویم که شنودنی است و دلیلی باشم به راهی که پیمودنی است.
- ۳) آفتاب منور بر این سقف مدور بگردانید و از بساط اغبر نبات اخضر برویابید.
- ۴) گه چون سکندر در سیاحت خاک ظلمات و گه چون خضر در سباحه آب حیات

۴۵

در همه‌ی عبارات به جز عبارت آرایه‌ی «سجع» یافت می‌شود.

- ۱) حکایت کرد مرا دوستی که شمع شب‌های غربت بود و تعویذ شب‌های کربت.
- ۲) ملک را پند وزیر ناصح موافق طبع مخالف نیامد، روی از این سخن در هم کشید.
- ۳) الهی! بر عجز خود آگاهم و بر بیچارگی خود گواهم، خواست خواست توست، من چه خواهم.
- ۴) وقتی از اوقات با جمعی آزادگان در بلاد آذربایگان می‌گشتیم و بر حمرای هر چمن و خضرای هر دمن می‌گذشتیم.

۴۶

در عبارات زیر تعداد و نوع سجع‌ها در کدام گزینه درست است؟

- «الهی! بیاموز تا شریعت بدانیم، برافروز تا در تاریکی نمایم، تو بساز که دیگران ندانند، تو بنواز که دیگران نتوانند، الهی: بساز کار من و منگر به کردار من، دلی ده که طاعت افزون کند، طاعتی ده که بهشت رهنمون کند، الهی از کشته‌ی تو خون نیاید و از سوخته‌ی تو دود، کشته‌ی تو به کشتن شاد و سوخته‌ی تو به سوختن خشنود»
- | | |
|------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) دو متوازی، چهار متوازن، سه مطرف | ۲) دو متوازی، یک متوازن، پنج مطرف |
| ۳) سه متوازی، دو متوازن، چهار مطرف | ۴) سه متوازی، سه متوازن، سه مطرف |

۴۷

در کدام گزینه، سجع مطرف به کار رفته است؟

- ۱) الهی بر تارک ما خاک خجالت نثار مکن و ما را به بلای خود گرفتار مکن.
- ۲) راننده‌ی چرخ و زمان است و آورنده‌ی بهار و خزان است.
- ۳) سپاس باد یزدان دانا را که آفریدگار جهان است و داننده‌ی آشکار و پنهان است.
- ۴) طالب دنیا رنجور است و طالب عقبی مزدور است و طالب مولی مسرور است.



- ۴۸ ارزش موسیقایی کدام عبارت مسجع از دیگر عبارات کم تر است؟
- ۱) متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد.
 - ۲) خردمندان گفته اند: هر که سخن نسنجد از جوابش برنجد.
 - ۳) هر که در زندگی نانش نخورند، چون بمیرد نامش نبرند.
 - ۴) دو کس دشمن ملک و دین اند: پادشاه بی حلم و زاهد بی علم.

- ۴۹ نخستین بار سجع در به کار گرفته شد.
- ۱) کليلة و دمنه‌ی ابوالمعالی
 - ۲) نثر خواجه عبدالله انصاری
 - ۲) گلستان سعدی
 - ۴) مرزبان‌نامه‌ی سعدالدین وراوینی

- ۵۰ در کدام گزینه سجع «متوازن» به چشم می‌خورد؟
- ۱) ملک بی‌دین باطل است و دین بی‌ملک، ضایع
 - ۲) همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال
 - ۳) محبت را غایت نیست، از بهر آن که محبوب را نهایت نیست.
 - ۴) هر که با بدان نشیند، نیکی نبیند.

www.akoedu.ir



- ۱) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. آمدن واژه‌های سجع در پایان دو جمله شرط لازم کلام مسجع است و این نکته در گزینه‌ی ۱، رعایت نشده است.
گزینه‌ی ۲: نگرینند - نپرهیزند (سجع مطرف)
گزینه‌ی ۳: بیهوده - نیموده (سجع مطرف)
گزینه‌ی ۴: پاک - صاف (سجع متوازن)، شریف - کریم (سجع متوازن)
- ۲) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. واژه‌های سجع باید در پایان دو جمله‌ی پیاپی بیایند. «خندان» و «شیرین زبان» چنین شرایطی ندارند.
- ۳) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «مکر - جهل» هم وزن هستند اما در حرف آخر مشترک نیستند. «افسون - جنون» در حرف آخر (و بیشتر) مشترک هستند اما هم وزن نیستند. ← سجع متوازی وجود ندارد.
ملک به معنی «پادشاهی» با یک تلفظ و معنا تکرار شده است. «ملک و دولت نادان سلاح جنگ خداست»: افتادن پادشاهی و ثروت نه دست فرد نادان، سلاحی است برای مقابله با خواسته‌های خدا.
- ۴) گزینه ۳ پاسخ صحیح است.
واژه‌های: (کشته، برداشته) (برومند، گزند) (غایت، نهایت) تماماً سجع مطرف است.
- ۵) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. واژه‌های: دریغ، ضایع (متوازن) نی، وی (متوازی) هنر نما، میان تهی (متوازن)
- ۶) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در بیت گزینه ۱ واژه‌های دلستان، بوستان و مکان سجع می‌باشد.
- ۷) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. نوع سجع در گزینه ۴، مطرف است و در سایر گزینه‌ها متوازی.
- ۸) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. سجع متوازی: باید، شاید
بررسی سایر گزینه‌ها:
۱) غایت، نهایت (۳) ستوران، کوران (۴) دراز، آغاز
- ۹) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. عظمت، مذکت: سجع مطرف
بررسی سایر گزینه‌ها:
۱) خار، مار: سجع متوازی
۳) مردن، بردن: سجع متوازی
۴) سلامت، علامت: سجع متوازی
ارزش سجع متوازی بیش‌تر از سجع مطرف است.
- ۱۰) گزینه ۴ پاسخ صحیح است.
- ۱۱) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. آزد - ببرد: سجع مطرف / سیر - دلیر: مطرف / گردند - شوند: متوازی



۱۲) گزینه ۱ پاسخ صحیح است.
الف) سمن بر - تر ← مطرف
ج) دلها - یغما - غوغا ← متوازی
ه) میان - گمان - دهان ← متوازی

ب) جان - جانان - بخیلان ← مطرف
د) جان - جهان ← مطرف

۱۳) گزینه ۳ پاسخ صحیح است.
الف) مؤانستی - مجانستی ← متوازی
ج) تحریر - تغییر ← متوازی
ه) می گشتم - می نوشتم ← مطرف

ب) برخوردار - افشاند ← متوازی
د) پیوستم - بستم ← مطرف

۱۴) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. گزینه‌ی ۱: کلمات سجع (می جهد - می نهد - می دهد) سجع متوازی
گزینه‌ی ۲: کلمات سجع (زر - بیر) سجع مطرف
گزینه‌ی ۳: کلمات سجع (منی - روشنی) سجع مطرف
گزینه‌ی ۴: کلمات سجع (سرنگون - خون - فزون) سجع مطرف

۱۵) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. گزینه‌ی ۳: کلمات سجع (پنهان - گستران) سجع مطرف
سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱، کلمات سجع (زاهدان - شاهدان) سجع متوازی
گزینه‌ی ۲: کلمات سجع (باریک - تاریک) سجع متوازی
گزینه‌ی ۴: کلمات سجع (راهم - پناهم) سجع مطرف

۱۶) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. متوازی: سلطان - خُلُقان، خُلُقان - اَنبَان، بَعِزَّتَر - بِلَدَّتْ تَر، معرّف: سلطان - بزرگان، متوازن: عزیز - لذیذ.
در ۱) سجع مطرف دیده نمی‌شود، در ۲) سجع متوازی به کار نرفته است، در ۴) فقط سجع متوازی کاربرد مشهود دارد.

۱۷) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در عبارات متن سؤال به ترتیب: اسیر، زنجیر (سجع متوازی) لطیف، غریب (سجع متوازن) درویشانند، ایشانند (سجع مطرف) است.

۱۸) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در شعر قافیه‌های میانی، سجع هستند. در گزینه‌ی ۳، عجب، تب سجع مطرب است در سایر گزینه‌ها متوازی است. گزینه‌ی ۱ (بیا، ضیا، کیا) / گزینه‌ی ۲ (رحمتی، ساعتی) / گزینه‌ی ۴ (گریان، نالان، سوزان)

۱۹) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. واژه‌های (بخورند - نبرند) - (فروماند - بجناباند) - (بکشد - برهاند) سجع هستند.

۲۰) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. نگین - سنگین: سجع مطرف / واجد - واجب: سجع متوازن / نگیرد - نپذیرد = سجع مطرف

۲۱) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ۱- بویید - بگوید: سجع متوازی
۲- نیاید - نشاید: سجع متوازی
۳- می پوشد - می خروشد: سجع مطرف
۴- زایید - پاینده: سجع متوازی.

۲۲) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. تکرار در واژه سخن، و واج آرایبی محسوس در صامت‌های «س» و «خ» و «ن».



۲۳ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ارزش موسیقایی سجع مطرف کم تر از سجع متوازی است. / بیازارد، بیارد: سجع مطرف بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) بشویم، نگویم: سجع متوازی
- (۲) ورد، درد: سجع متوازی
- (۴) باغ، داغ: سجع متوازی

۲۴ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. واژگان «غایب» و «نهایت» تنها از نظر حروف پایانی یکسانند و سجع مطرف می‌سازند. بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) نشیند و نبیند: سجع متوازی
- (۲) زاینده و پاینده: سجع متوازی
- (۳) باطل و ضایع: سجع متوازن

۲۵ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) ساروان، کاروان، روان
- (۳) مهجور، رنجور، دور
- (۴) بدن، سخن، خویشتن

۲۶ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. سجع: یکسانی دو کلمه در واج‌های پایانی یا وزن یا هر دوی آنهاست. در گزینه‌ی ۴ واژه‌های سجع (نگیرد و نپذیرد) در واج‌های آخر یکسانند و هم وزن نیستند. این نوع سجع را «مطرف» گویند. بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) فاسد و کاسد: سجع متوازی
- (۲) بشوید و بگوید: سجع متوازی
- (۳) مال و سال: سجع متوازی

۲۷ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) نشست و بسته: سجع مطرف
- (۲) بمیرند و بگیرند: سجع متوازی
- (۴) بکشید و بپوشید: سجع متوازی

۲۸ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. سجع هم در نثر و هم در شعر به کار می‌رود که به آن نثر مسجع و شعر مسجع می‌گویند. شعر مسجع شعری را گویند که دارای قافیه درونی باشد، مانند:

هنگام تنگ‌دستی در عیش کوش و مستی
کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را

۲۹ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. عبارتی که دارای سجع متوازی باشد، دارای ارزش موسیقایی بیشتری است.

- نوع سجع در گزینه ۱ متوازی است: شب‌خیز و پرهیز
- گزینه ۲: واژه‌های «نگیرد» و «نپذیرد» دارای سجع مطرف هستند.
- گزینه ۳: واژه‌های «چشم» و «درد» سجع متوازن و «چراغ» و «داغ» سجع مطرف هستند.
- گزینه ۴: واژه‌های «باطل» و «ضایع» دارای سجع متوازن هستند.



- ۳۰ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. گزینه ۲: انابت و اجابت به دو دلیل سجع نیستند:
 (۱) سجع باید حداقل در دو جمله باشد ← انابت و اجابت در یک جمله‌اند.
 (۲) سجع باید در پایان جملات باشد.
 بررسی سایر گزینه‌ها:
 گزینه ۱: واژه‌های «بند» و «جنگ»
 گزینه ۳: واژه‌های «نشیند» و «نبیند»
 گزینه ۴: «جمال» و «کمال» سجع به حساب می‌آیند.
- ۳۱ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. سجع، یکسانی دو واژه در واج یا واج‌های پایانی و وزن یا هر دوی آنهاست. سجع هم در نثر و هم در شعر به کار می‌رود و فایده آن ایجاد موسیقی در نثر و افزایش موسیقی در شعر است. نثر و شعری که سجع در آن به کار رود، «مسجع» نامیده می‌شود. ارزش موسیقایی سجع متوازی از دیگر سجع‌ها بیشتر است.
- ۳۲ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. خار، مار: متوازی (سجع متوازی ارزش موسیقایی بیش‌تری دارد). بررسی سایر گزینه‌ها:
 (۱) خراشیدن، پاشیدن: مطرف
 (۲) ستوران، کوران: مطرف
 (۳) دل‌مرده، نبرده: مطرف
- ۳۳ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. یکی از ملوک عجم دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده: سجع مطرف. بررسی سایر گزینه‌ها:
 (۱) هر آینه ما را خردمندی کافی یابد، که تدبیر مملکت را شاید: سجع متوازی
 (۲) آن‌را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است؟: سجع متوازی
 (۴) تا به جایی که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کربت جورش راه غربت گرفتند: سجع متوازی
- ۳۴ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. حکایت کنند که هیزم درویشان خریدی به حیف و توانگران را دادی به طرح. (متوازن) بررسی سایر گزینه‌ها:
 (۱) توانگری به هنر است، نه به مال و بزرگی به خرد است، نه به سال. (متوازی)
 (۲) محبت محب را سوزد نه محبوب را، و عشق طالب را سوزد نه مطلوب را. (متوازی)
 (۳) ظالمی را گویند روی زیبا مرهم دل‌های خسته است و کلید درهای بسته. (متوازی)
- ۳۵ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. واژه‌های لطیف و نظیف، سجع متوازی است.
- ۳۶ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. وزیدن و ریزیدن، سجع است نه جناس.
- ۳۷ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. پایه سجع در گزینه ۱ «نعمت و قربت» از نوع متوازی است. پایه‌های سجع در جمله‌های ۲ و ۴ به ترتیب: محجوب و معذور، متعش و مشتعل که فقط هم‌وزن هستند. این سجع را متوازن گویند، اما در عبارت ۳ دو واژه پایانی جملات (حیات و ذات) سجع مطرف است، زیرا هم‌وزن نیستند و فقط حروف پایان‌شان یکسان است.
- ۳۸ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه ۱ سجع کلمات «آرند و بیازارند» مطرف است در حالی که دیگر گزینه‌ها همه سجع متوازی هستند و ارزش موسیقایی سجع متوازی از همه سجع‌ها بیشتر است.
- ۳۹ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. گزینه ۱: نوع سجع متوازی کمال / جمال
 گزینه‌های ۲، ۳ و ۴: نوع سجع متوازن



۴۰ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هرگاه شعری دارای قافیهٔ درونی باشد، شعر «مشجع» گفته می‌شود. در شعر: هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی / کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را قافیهٔ درونی در مصراع اول و دوم دیده می‌شود که «تنگدستی، مستی و هستی» واژگان درونی قافیه‌اند و «گدا» قافیهٔ کناری است.

۴۱ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. هرگاه دو واژهٔ پایانی جملات فقط هم‌وزن باشند، از نظر آرایه‌های ادبی، «سجع متوازن» گویند. کلمات «حیف و طرح» سجع متوازن ساخته‌اند.

۴۲ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:
 (۱) ای دلبر و مقصود ما ای قبله و معبود ما / آتش زدی در عود ما، نظاره کن در دود ما
 (۲) رازدار من تویی ای شمع یار من تویی / غمگسار من تویی، من آن تو، تو آن من
 (۴) زین وانمودن‌ها برآ، زین نانمودن‌ها گرا / کان کس که داند کیمیا، پنهان کند ز اهل طلب

۴۳ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «متعش» و «مشتعل» تنها از نظر وزنی یکسان هستند و سجع متوازن می‌سازند. بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) زاینده و پاینده: سجع متوازی
 (۲) ترازو و بازو: سجع مطرف
 (۳) بیازارد و بیارد: سجع مطرف

۴۴ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در عبارت گزینه ۴: بین کلمات ظلمات و حیات سجع مطرف وجود دارد. گزینه ۱: می‌سراید، می‌نماید: سجع متوازی است. گزینه ۲: شنودنی، پیمودنی، سجع متوازی است. گزینه ۳: بگردانید، برویانید: سجع متوازی است.

۴۵ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. گ (۱) «غربت و کربت» واژه‌ی سجع هستند. گ (۳) «آگاهم، گواهم و خواهم» واژگان سجع هستند. گ (۴) «آزادگان و آذربایگان» هم‌چنین «چمن و دمن» واژه‌ی سجع هستند.

۴۶ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در عبارات سؤال دو سجع متوازی، دو سجع متوازن و پنج سجع مطرف وجود دارد. سجع متوازی: (۱) بیاموز، برافروز، (۲) بدانیم، نمایم
 سجع متوازن: (۱) بساز، منگر. (۲) خون، دود
 سجع مطرف: ۱- بساز، بنواز، ۲- ندانند، نتوانند، ۳- کار، کردار، ۴- افزون، رهنمون، ۵- شاد، خوشنود.

۴۷ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. سجع مطرف: اشتراک در واج‌های پایانی است ← نثار و گرفتار
 سجع متوازن: اشتراک در وزن ← بهار (-U) و خزان (-U)
 سجع متوازی: اشتراک در وزن + اشتراک در واج‌های پایانی ← مزدور و مسرور / جهان و نهان

۴۸ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. واژه‌های «نگیرد» و «نپذیرد» سجع مطرف آفریده‌اند. این واژه‌ها با این‌که در واج‌های آخر یکسان‌اند، ولی هم‌وزن نیستند، در حالی‌که ارزش موسیقایی «سجع متوازی» از همه‌ی انواع سجع بیشتر است.

۴۹ گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

۵۰ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در سجع متوازن دو کلمه فقط هم‌وزنند (باطل و ضایع).



۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۶	۱	۲	۳	۴
۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۹	۱	۲	۳	۴
۳۰	۱	۲	۳	۴
۳۱	۱	۲	۳	۴
۳۲	۱	۲	۳	۴
۳۳	۱	۲	۳	۴
۳۴	۱	۲	۳	۴
۳۵	۱	۲	۳	۴
۳۶	۱	۲	۳	۴
۳۷	۱	۲	۳	۴
۳۸	۱	۲	۳	۴
۳۹	۱	۲	۳	۴
۴۰	۱	۲	۳	۴
۴۱	۱	۲	۳	۴
۴۲	۱	۲	۳	۴
۴۳	۱	۲	۳	۴
۴۴	۱	۲	۳	۴
۴۵	۱	۲	۳	۴
۴۶	۱	۲	۳	۴
۴۷	۱	۲	۳	۴
۴۸	۱	۲	۳	۴
۴۹	۱	۲	۳	۴
۵۰	۱	۲	۳	۴

